



1 نظرات و فعالیت های سازمان خودرهاگران- دی ماه 1390

1



به مناسبت سومین سالروز آغاز
به کار سازمان خودرهاگران

نظرات و فعالیت های سازمان خودرهاگران

دی ماه 1390

مسئولیت انسان

2

از دید سازمان خودرهاگران هر
انسانی در قبال موقعیت خویش
مسئول است. موقعیت یعنی
شرایط اقتصادی و اجتماعی.

این موقعیت، شانس و
امکان هر فرد را برای
رشد مادی و معنوی او را
تعیین می کند.



اختیار انسان

4

□ این شرایط نه ازلی است و نه ابدی. بلکه ساخته و پرداخته جامعه است. هر کس اختیار دارد که شرایط وجودی خویش را بپذیرد و یا بخواهد آن را تغییر دهد.

موانع رشد انسان

5

موانعی که می توانند سد رشد مادی و معنوی من بشوند چیست :

- فقر
- نابرابری
- ستم طبقاتی
- خرافات
- مذهب
- باورهای نادرست
- ترس
- ناامیدی
- عدم اعتماد به نفس
- عدم باور به خود

موانع رشد انسان

6

- این موانع به دو دسته تقسیم می شوند:
- آنها که در درون من عمل می کنند، مانند ترس و عدم خودباوری.
 - آنها که در بیرون من عمل می کنند مانند فقر و نابرابری و ستم طبقاتی.

**بین عوامل درونی و بیرونی
که مانع از رشد مادی و
معنوی من می شوند یک
رابطه ی متقابل وجود دارد.**

ضرورت رهایی از بندهای درون

8

ما نمی توانیم بدون رهایی از بندهای
درونی، بندهای بیرونی را پاره کنیم.
یعنی با داشتن ترس و عدم اعتماد به
نفس نمی توانیم از نابرابری طبقاتی و
ستم اجتماعی و اقتصادی رها شویم.

ضرورت رهایی از بندهای بیرون

9

به همان ترتیب که نمی توانیم از بندهای
درونی رها شویم اگر به بندهای بیرونی
نپردازیم.

یعنی نمی توانیم از بند ترس و بی اعتمادی
و نبود خودباوری رها شویم اگر به
نابودی ستم طبقاتی و ظلم اجتماعی
نپردازیم.

تغییر از کجا آغاز می شود؟

10

□ اما کار تغییرگری شرایط برای دفع
موانع رشد مادی و معنوی را از کجا
باید شروع کرد؟

□ آیا باید نخست به بندهای درونی
پرداخت و سپس به بندهای بیرونی و
یا اول باید با بندهای بیرونی آغاز کرد؟

می توان راه ها و روش های
مختلفی را برای پاسخ دادن به
این پرسش امتحان کرد. اما آن
چه ما پیشنهاد می کنیم روندی
است به نام خود رهاگری.

خودرهاگری چیست؟

12

خودرهاگری عبارت است از
رهایی ذهنی از بندهای درون
از طریق کار عینی برای
رهیدن از بندهای بیرون.

روابط متقابل عین و ذهن

13

منظور ما این است که باید به روابط متقابل
ذهن و عین توجه کرد و این که هیچ یک
را بدون دیگری نمی توان آزاد ساخت.
نه فرد می تواند در جامعه ی در بند به
رهایی برسد و نه جامعه می تواند با افراد
دارای ذهن در بند به رهایی برسد.

همزمانی تلاش عینی و ذهنی

14

پس، باید هر دو نبرد ذهنی و عینی را به طور همزمان و در یک رابطه‌ی متقابل میان آن دو پیش برد. یعنی، برای تقویت شهامت در خویش باید نبرد کرد و برای پیروزی در نبرد باید شهامت را تقویت کرد.

سیر خودرهاگری

- روند خودرهاگری را می توان این گونه ترسیم کرد:
- تلاش برای درک موقعیت اجتماعی خویش،
 - تشخیص موانع رشد مادی و معنوی خود
 - باور به ضرورت تغییر شرایط و رفع موانع (اراده)
 - کار توأم روی ذهن و واقعیت مادی در مسیر تغییر گری.

ضرورت کار روی ذهن

16

تا وقتی به دلیل ذهنی دست به کار
عینی نمی زنم باید روی درونم کار
کنم و وقتی به مرحله کنشگری
رسیدم از طریق عمل، درونم را
قویتر می سازم.

ما روند خودرهاگری را برای
حرکت از مرحله ی پذیرش
منفعل شرایط به سوی
رویارویی سازنده ی با آن
ضروری می دانیم.

جمع بندی روند خودرهاگری

18

□ خودرهاگری یعنی این که من از محدودیت های رشد مادی و معنوی خویش آگاه می شوم، موانع این رشد را شناسایی می کنم، و اراده می کنم که این موانع را از سر راه بردارم، تلاش می کنم که راه این کار را یاد بگیرم و سپس با به کار گیری دانش و دلاوری به دگرگون سازی بپردازم.

ضرورت شناخت از جامعه و مکانیزم های آن

19

برای از سر راه برداشتن این موانع نخست شناسائی دقیق آنها، دلایل و ریشه های آنها ، روابط علت و معلولی آنها و مکانیزم ها و ساختارهای به وجود آورنده و دوام بخش آنها لازم است اینجاست که نیاز دارم به شناخت، دانش و درک عمیق.

تحلیلگر باشیم!

سازمان خودرهاگران تلاش دارد که در این عرصه، ابزارهای شناخت و تحلیل پدیده های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را به مخاطبان خود ارائه دهد. هدف ما این است که فرد دارای قدرت تحلیل شود. این کار دشوار است اما ما بر آن هستیم که این توان تحلیلی را تقویت کنیم و نه این که دیگران را به تحلیل های خود وابسته سازیم.

نقش اراده و اختیار

21

پس از درک چرایی های وجودی این
موانع و چگونگی عملکرد آنها می
توانیم تصمیم بگیریم که آنها را همان
گونه که هستند بپذیریم، یا با آن کنار
بیاییم و یا در صدد تغییر آنها بر آییم.

اهمیت اختیار در انتخاب

سازمان خودرهاگران بر این باور است که پس از اشاعه ی آگاهی و آموزش دستگاه تحلیلی، در این مرحله باید به فرد امکان و فرصت داد تا با اختیار خویش تصمیم بگیرد که چه می خواهد بکند: تغییر جامعه و از بین بردن این موانع یا خیر، قبول این شرایط. اگر پاسخ لزوم تغییر است در این صورت فرد باید فن این کار را بیاموزد.

نیازهای فردی که می خواهد مبارزه کند.

23

در این مرحله فرد احتیاج به سه عنصر دارد:

□ یک زیربنای فکری،

□ یک استراتژی تغییر و

□ یک هدف یا همان مقصد.

کاربرد زیربنای فکری

24

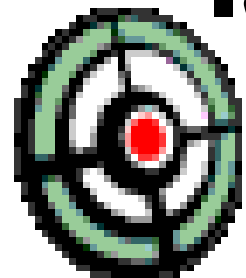
□ زیر بنای فکری لازم است زیرا بدون آن فرد می تواند در میانه ی راه و با برخورد با دشواری ها و خطرات، فراموش کند چرا باید این مبارزه را تا انتها پیش برد. زیر بنای فکری مانند سوخت یک ماشین است، بدون آن، ماشین از حرکت باز می ماند.

□ استراتژی یعنی راهی که باید طی شود تا به مقصد برسیم. این راه باید دقیق و واقعی انتخاب شده باشد و دارای مراحل و شاخص هایی باشد که بتوان در آن حرکت کرد و باقی ماند تا به مقصد رسید.

کاربرد داشتن هدف

26

□ هدف همان مقصد است که باید دقیق
تعیین و تعریف شود تا اگر زمانی در
مسیر دچار چپ و راست شدیم
بتوانیم با توجه به مقصد، دوباره در
مسیر درست، حرکت را دنبال کنیم.



عناصر راه مبارزه

27

□ برای سازمان خودرهاگران:

□ زیر بنای فکری یا سوخت ماشین مبارزاتی همان انسان مداری است.

□ استراتژی همان قدرت اجتماعی یا مدیریت سازمان یافته ی جامعه توسط مردم است.

□ هدف، ساختن جامعه ای است انسانی که توسط مردم اداره می شود و در آن، جان و کرامت انسان به طور نهادینه حفظ می شود.

سازمان خودرهاگران یک
تشکل فرهنگی و سیاسی
است که از دی ماه
1388 آغاز به کار کرده
است.

این سازمان برای ساختن یک جامعه ی انسانی تلاش می کند که در آن جان و کرامت انسان مورد محافظت نهادینه قرار می گیرد.

زیربنای مبارزاتی خودرهاگران

30

□ زیربنای مبارزاتی ما یک فکر روشن است: انسان‌مداری.

□ یعنی باور به ارزش ذاتی انسان بدون هیچ‌گونه استثنا و شرط. یعنی برتر دانستن انسان نسبت به خدا، مذهب، میهن، حزب، طبقه، پرچم و امثال آن.

فایده و کارکرد نگرش انسان مدار

31

انسان مداری ما را راهنمایی می کند
که راه مبارزاتی خود را طوری
انتخاب کنیم که در آن، آگاهی فرد و
اراده ی او نخستین عامل تعیین کننده
باشد، نه حزب و سازمان و
ایدئولوژی.

انتخاب ارادی مهم است

این بدان معنی است که فرد یا نباید وارد میدان مبارزه برای تغییر شود و یا اگر به آن پا گذارد، تعهدش باید بر اساس درک، شعور، آگاهی، اراده و انتخاب خودش باشد و بس. هر گونه عامل بیرونی که برخلاف خواست وی، او را به عرصه‌ی مبارزه بکشد سبب می‌شود که درنهایت، نتیجه‌ی معکوس حاصل شود.

کیفیت مبارزان مهم است نه کمیت

ما بر این باوریم که نتیجه‌ی کار تعدادی بسیار محدود از افرادی که با درک خودجوش و عمیق از ضرورت مبارزه‌ای بر پایه‌ی انسان‌مداری وارد فعالیت شوند، بسیار موثرتر و سازنده‌تر از کار عده‌ی کثیری است که بر اساس باوری جز ارزش ذاتی انسان مبارزه کنند. زیرا هر مبارزه‌ای با هدف دیگری، جز اعتلای بشر، می‌تواند به ناکجا آباد برود. انسان‌مداری قطب‌نمای مبارزه است.

مدافع انسان مداری انسان کامل نیست.

34

لازم به ذکر است که باور به محور قرار دادن انسان با رعایت عملی آن فاصله دارد. به ویژه در ابتدای کار. این تنها در عمل است که مشخص خواهد شد ما تا چه حد، انسان مدار و تا چه حد به رعایت حرمت و کرامت بشر پایبند هستیم.

به تدریج انسان مدار می شویم

ما بر این موضوع آگاهیم که در ابتدا فرد، که خود ما را نیز شامل می شود، بیشتر می تواند درباره ی وجه نظری انسان مداری از خود توانایی نشان دهد تا وجه عملی آن. یعنی، در عمل ضعف های زیادی هست که فرد را در تضاد با ارزش های مفهومی و نظری تفکر انسان مدار قرار خواهد داد. در همین جاست که می توان به ارزش عمل، به عنوان تصحیح کننده و تقویت کننده وجه نظری پی برد.

پایبندی ما به انسان مداری تدریجی است

36

ما نه از خود و نه از هیچ کس دیگر انتظار نداریم که در مراحل آغازین مبارزه ای خودرهاگرانه، به طور کامل، رفتار و ارزش های ناشی از باور انسان مداری را از خویش بروز دهد. این امر ناممکن و رویایی است. اما به تدریج، هم در فرد و هم در نسل های متوالی، این ارزش های نظری نمود رفتاری بیشتر و قویتری را پیدا خواهند کرد و فرد به نوعی از درک کاربردی گسترده تر و عمیق تر دست خواهد یافت.

انسان مداری باید درونی شود.

37

باور نظری به انسان مداری زمینه ساز هدایت رفتارها به ارج گذاری به انسان به عنوان انسان می شود؛ برخوردها و گفتار را جهت و عمق می دهد و کردار شایسته ی انسان را در فرد تقویت می کند. به واسطه ی این احترام عملی، فرد نسبت به مفهوم ذهنی خویش درکی ملموس تر به دست آورده و آن را درونی یا عمیق تر می سازد.

رابطه ی متقابل اندیشه و عمل

38

بدین ترتیب، تفکر انسان مدار ما را به رفتار انسانی نزدیک می کند و رفتار انسانی ما را به تفکر انسان مدار پایبندتر و آگاهتر می سازد. این دیالکتیک به صورت تدریجی و پویا با فراز و نشیب های بسیار به پیش می رود. راز برخورداری از موفقیت در این عرصه، تداوم و پایداری در این تمرین دو جانبه ی ذهنی و عینی است.

انسان مداری راهنمای فکری است.

39

پس، داشتن تفکر انسان مدار ما را مجهز به فهم و رفتاری می سازد که در آن می توانیم احترام به انسان را تجربه کنیم و به این ترتیب با باور و عمل به ضرورت حفظ جان و حرمت او در مبارزه به طور ثابت قدم و در یک مسیر مشخص حرکت کنیم. تفکر انسان مدار سبب می شود که ما به سوی راه های انحرافی که سبب امتیاز چیز دیگری مانند خدا، شاه، میهن، حزب و طبقه و غیره بر انسان می شود نرویم. حرکت و جهت کلی آن در جهت اعتلای بشر خواهد بود.

راه عملی پیاده کردن فلسفه و فکر انسان مدار

40

اما ما چگونه می خواهیم، به طور عملی و مادی، یک مبارزه ی مبتنی بر انسان مداری را به پیش ببریم؟ اینک که انسان مداری ما را به سمت و سوی درست هدایت می کند کدام راه را باید انتخاب کنیم؟ به عبارت دیگر، استراتژی حرکت ما چیست؟

□ استراتژی ما در این باره عبارت است از:
ساختن قدرت اجتماعی. یعنی شکل
سازمان یافته ی فعالیت مردم با همدیگر.
دخالت در مدیریت جامعه و تعیین
سرنوشت خویش از طریق تشکل های
اجتماعی سازمان یافته و هدفمند.

قدرت اجتماعی چیست؟

42

قدرت اجتماعی به صورت تشکل های کوچک و بزرگ مردمی است که شهروندان تشکیل می دهند تا امور خرد و کلان جامعه را اداره کنند. این تشکل ها به صورت انجمن، اتحادیه های صنفی، شوراهای مردمی، سازمان های غیر دولتی و هر نوع جمع شهروندی دیگر می باشد. این تشکل ها در مسیر مدیریت اجتماعی امور جامعه می باشند.

مدیریت اجتماعی جامعه

43

ما نسبت به این موضوع آگاهییم که مدیریت اجتماعی جامعه روندی است که به مرور زمان و با کسب دانش و تجربه توسط شهروندانی که به کار سازمان یافته می پردازند شکل می گیرد. قدرت اجتماعی در جامعه ی ایران در یک فرایند طولانی چند ده یا چند صد ساله ساخته خواهد شد.

تجربه ی مدیریتی به تدریج به دست می آید

44

ما هیچ توهمی درباره ی توانایی جامعه ی ایرانی در انجام کار سازمان یافته نداریم. یعنی می دانیم که فقر مادی و فقر بسیار شدید فرهنگی جامعه ی ایران را از پیروی از الگوی کار جمعی و سازمان یافته بسیار دور کرده است. اما با این وجود این راه را تبلیغ کرده و به عنوان استراتژی خود مطرح می کنیم: چرا؟

شناس های سازماندهی

تاکید ما بر کار سازمان یافته، با وجود ضعف های عمده ی جامعه ی ایران در دنبال کردن این استراتژی ناشی از دو چیز است:

(1) وجود یک اقلیت بسیار کوچک اما آگاه و اهل کنش در جامعه ی ایرانی که می تواند به عنوان پیش قدم در این زمینه عمل کند.

(2) ضرورت طرح این موضوع از حالا برای آینده، با هدف آشنا کردن بخش هایی از جامعه با این گفتمان و مفاهیم آن، به طریقی که بتوانند به موقع با این استراتژی، آشنایی های اولیه را داشته باشند.

قدرت اجتماعی به تدریج شکل می گیرد

46

شکل گیری قدرت اجتماعی در ایران به صورت ذره ای، تدریجی و مرحله ای خواهد بود. ما انتظار نداریم که بلافاصله پس از سرنگونی رژیم در ایران بتوان چیزی به اسم قدرت اجتماعی را به عنوان قدرت سازمان یافته ی مردم مستقر کرد. اما می توانیم امیدوار باشیم که با جا افتادن این مفهوم در میان کنشگران، دانشجویان، کارمندان، کسبه ی خرد، جوانان و کارگران امکان این را داشته باشیم که سازماندهی اجتماعی را با سرعت بیشتری گسترش دهیم.

خودرهاگران و تبلیغ قدرت اجتماعی

سازمان خودرهاگران در طول دو سال گذشته با تلاش نظری و تبلیغاتی خود، مفهوم قدرت اجتماعی را مطرح و آن را به طور مفصل مورد بحث و بررسی و معرفی قرار داد. این کار دوساله که باز هم ادامه خواهد یافت یک زمینه سازی برای وارد کردن این مفهوم به درون فضای سیاسی و اجتماعی ایران بود و به طور پی گیر باز هم در سال سوم فعالیت ما ادامه خواهد یافت.

خودرهاگران در سال سوم فعالیت

48

سیر پیشرفت کار خودرهاگران از حالا، یعنی از آغاز سال سوم فعالیت خویش، به این گونه قابل تصور است:

- آگاه سازی در مورد انسان مداری و آموزش در باره ی سازماندهی قدرت اجتماعی،
- یاری رسانی نظری به شکل گیری واحدهای سازمان یافته برای شرکت در روند سرنگون سازی رژیم کنونی،
- گسترش آموزش سراسری و ترویج نهادینه ی تشکل های اجتماعی سازمان یافته در درون جامعه.

سیر مبارز شدن افراد به صورت عملی

49

برای این که قدرت اجتماعی شکل گیرد باید شهروندان در تعیین سرنوشت خویش مشارکت ورزند. برای این که این مشارکت صورت پذیرد شهروندان باید مجهز به دو چیز باشند:

(1) آگاهی از ضرورت این کار (چرا من باید در تعیین سرنوشت خویش شرکت کنم؟)

(2) دانش انجام این کار (چگونه باید در تعیین سرنوشت خویش شرکت کنم؟)

ترویج انسان مداری و تبلیغ مشارکت اجتماعی

50

□ در بخش آگاهی باید به تولید و پخش مطالبی اقدام کرد که در راستای جا انداختن دو موضوع باشد:

■ انسان مداری

■ اهمیت مشارکت اجتماعی مردم

- ترویج انسان مداری برای جا انداختن یک زیربنای فکری جهت این کار است.
- توضیح اهمیت مشارکت اجتماعی مردم برای نشان دادن راهی است که هر شهروند مسئولی باید پیش گیرد تا بتواند شرایط نامطلوب جامعه را تغییر دهد.

در سال سوم تلاش هایش، سازمان خودرهاگران باید سعی کند که این دو موضوع، یعنی انسان مداری و ضرورت مشارکت اجتماعی، از حالت مفاهیم روشنفکری بیرون آمده و تبدیل به یک فکر اجتماعی شده و مردمی بشود.

ادامه کار برای جا انداختن مفاهیم نظری

53

سازمان خودرهاگران در طول دو سال اول فعالیت خود این فکر را به پیش برده است. صدها مطلب درباره ی این دو موضوع در طول این مدت تولید و به صورت نوشتاری، شنیداری و دیداری توزیع شده است. کار تولید و توزیع ادبیات پیرامون این دو موضوع در سال سوم فعالیت ما همچنان ادامه خواهد داشت.

ابزارهای کار تبلیغاتی ما

54

- برخی از ابزارهایی که برای پخش و توزیع ادبیات مرتبط با انسان مداری و ضرورت مشارکت اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است عبارتند از:
- سایت خودرهاگران
- سایت تصویر آزادی
- سایت رادیو اتحاد
- برنامه ی تلویزیونی تصویر آزادی در تلویزیون پارس
- ایمیل های هفتگی
- فیسبوک
- گوگل

و اما در رابطه با دانش این کار، یعنی دانش چگونگی کار سازمان یافته. در این مورد نیز سازمان خودرهاگران در طول دو سال گذشته به تولید و توزیع آموزش‌ها مشغول بوده است. این آموزش‌ها به طور موضوعی در زمینه‌ی سازماندهی کارگری، دانشجویی، نافرمانی مدنی، بیکاران، زنان و نیز سازماندهی شورش‌های اجتماعی بوده است.

ابزار آموزش سازماندهی

56

ما به تولید نوشتاری، شنیداری و دیداری در این زمینه پرداخته ایم و آنها را روی اینترنت و یا در برنامه های تلویزیونی خود مطرح ساخته ایم. وبسایت سازماندهی در این زمینه بسیار فعال بوده است:

www.sazmandehi.org

هم چنین رادیو اتحاد بر روی ماهواره ی W3A به این مهم اختصاص دارد که فن سازماندهی را آموزش دهد.

کارهای دو سال نخست خودرهاگران

57

به این ترتیب در طول دو سال فعالیت خود سازمان خودرهاگران از یکسو به اشاعه ی آگاهی پیرامون انسان مداری و قدرت اجتماعی و از سوی دیگر به آموزش فن سازماندهی پرداخته است. این دو فعالیت، یعنی تولید و پخش درباره‌ی موضوعات فوق کار اصلی ما بوده است.

گسترش کار تبلیغاتی

58

در سال سوم نیز ما به ادامه ی تولید و گسترش
پخش تولیدات در وسایل ارتباط جمعی کلاسیک و
نیز بر روی اینترنت خواهیم پرداخت.
در این زمینه تمرکز ما به طور خاص به روی رادیو
اتحاد خواهد بود. این رادیو بر روی ماهواره
W3A برای ایران و اروپا پخش خواهد شد.

www.radioetehad.com

ضرورت کار عملی در زمینه ی سازماندهی

59

سازمان خودرهاگران گسترش واحدهای سازمان یافته را از همین حالا یک ضرورت می داند و به همه کنشگران داخل و خارج از کشور توصیه می کند که به کار جمعی بپردازند. شهروندان می توانند در هر کجا که هستند با تشکیل جمع های کوچک به مطالبات و نیازهای صنفی خود بپردازند.

وجود تشکل های سازمان یافته می توانند سه فایده اساسی در سه مرحله ی متفاوت مسیر داشته باشند:

- در شرایط فعلی، برای پایین کشیدن رژیم حاکم
- در زمان گذار، برای نظارت بر انتخابات آزاد
- در دوره ی دموکراسی، برای ساماندهی قدرت اجتماعی به عنوان شبکه ی مدیریت جامعه.

بدیهی است که در یک چشم انداز دراز مدت ما قدرت اجتماعی را ابزاری برای محو قدرت سیاسی به صورت کنونی خود می دانیم. زیرا به طور تاریخی تجربه شده است که قدرت سیاسی به صورت حکومت، با هر ماهیت و شکلی، ابزاری است برای کنترل جامعه.

قدرت اجتماعی برتر از قدرت سیاسی است.

62

□ در دیدگاه ما جامعه باید توسط خودش کنترل شود، نه توسط حکومت. حکومت باید از حالت حاکم بر مردم به صورت خدمتگزار مردم درآید. یعنی یک نهاد اداری برای انجام کارهایی که قدرت اجتماعی به آن دیکته می کند. آن هم تا حد و زمانی که ضرورتی برای این کار وجود دارد. اگر در یک زمان قدرت اجتماعی مدیریت کلان خود را به طور مستقیم و با شیوه های نوینی اعمال می کند، حتی نیاز به حکومت هم نیست.

مردم جامعه را مدیریت می کنند.

□ شهروندانی که آگاه و آموزش دیده هستند به تدریج در قالب های جمعی مدیریت واحدهای خرد، بعد متوسط و سپس کلان را بر عهده می گیرند و از پایین به بالا با به دست گرفتن اختیارات و مسئولیت ها، جامعه را در تمام سطوح مدیریت می کنند. واحدهای مدیریتی مردمی در نهادها و سطوح مختلف با استفاده از فن آوری نوین با هم به صورت شبکه وار در تماس و هماهنگی بوده و کارها، تجارب و نظرات خود را مورد تبادل قرار داده و تصمیم های مشترک، که به نفع همگان باشد، اتخاذ می کنند.

دمکراسی مستقیم امکان پذیر است

واحدهای مدیریت مردمی با بهره‌بری از فن آوری جدید سعی می‌کنند تمام اعضای یک واحد را در چارچوب‌های برابری گرا و تخصصی به کار جمعی و مشارکت در تصمیم‌گیری و فعالیت دعوت کنند. این همان دمکراسی مستقیم است که از سطوح خرد شروع می‌شود و با تمرین و تجربه و انباشت دانش و فن آوری این کار، به تدریج به سطوح میانی و در نهایت به سطح کلان می‌رسد. امروز با بهره‌بری از فن آوری‌های موجود و یا قابل توسعه می‌توان دمکراسی مستقیم را در تمامی سطوح یا اجرا و یا برای آینده برنامه‌ریزی کرد.

دمکراسی را باید بسازیم

- برای ما دمکراسی دست یافتنی نیست، ساختنی است. یعنی باید قدم به قدم آن را بنا کرد. نخست زمینه ها و پایه های آن را، بعد رو بنا و شکل های آن را.
- روند ساختن دمکراسی در سه سطح قابل تصور است:
 - 1) درونی کردن ارزش ها و رفتارهای دمکراتیک
 - 2) تمرین دمکراسی در چارچوب تشکل های جمعی
- نهادینه کردن دمکراسی مستقیم از طریق قدرت اجتماعی یا همان قدرت سازمان یافته ی مردم.

خلاصه ی کار سازمان خودرهاگران

66

□ پروسه یا روند ساختن جامعه ی انسانی برای ما از چند مرحله عبور می کند:

- 1) تولید تئوری ساختن جامعه ی انسانی
- 2) اشاعه ی تئوری ساختن جامعه ی انسانی
- 3) اجرای تئوری ساختن جامعه ی انسانی

آینده ی سازمان خودرهاگران

آنچه تا امروز سازمان خودرهاگران نام دارد
کاری ندارد جز تولید نظریه ی ساختن
جامعه ی انسانی و اشاعه ی این نظریه.
در مورد این که سازمان خودرهاگران در
آینده چه خواهد کرد همه چیز بستگی دارد
به نوع و کیفیت کار ما و نیز به شرایط
حاکم بر جامعه ی ایران...

برای تماس با ما :

68

khodrahagaran@khodrahagaran.org



www.khodrahagaran.org

www.sazmandehi.org